سرمقاله

به بهانه سخنان اخیر رئیس پلیس تهران

قانون بالاتر از همه

محمدعلی دادخواه

اصولاً در هر جامعه‌یی باید نسبت به رعایت ارکان و ضوابط پایدار و عرف مورد پذیرش متعهد بود، زیرا شیرازه جامعه و دوام و بقای آن پیوند ناگسستنی با عرف مورد قبول مردم دارد. در واقع حقوق، قانون و امتیازاتی که جامعه طی تجربه طولانی تاریخی خود کسب و تعیین کرده است تا با رعایت این ضوابط بتواند یک زندگی مسالمت‌آمیز همراه با وفاق و آسایش را تنظیم و تمکین کند این از استوانه‌های حفظ ثبات و شیرازه جامعه قلمداد می‌شود که به این راحتی نباید به آن آسیبی وارد شود.

از گذشته‌های دور حکما، فلاسفه و فرهیختگان جوامع در تمدن‌های مختلف بایدها و نبایدهایی را در این زمینه جسته‌اند و برای سلامت و شادابی و زیبایی زندگی بر آنها پای فشرده‌اند. تفکیک قوا یکی از این رهاوردهای اندیشه پویای متفکران انسانی بوده که دریافته‌اند هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند و در این تفکیک مسالمت و خردگرایی را درآمیخته‌اند به گونه‌یی که اجرای دموکراسی و تامین حقوق بدوی و بدیهی بشر را در همین تفکیک و تقسیم کار ترسیم و جامعه را متعهد و موظف به رعایت این پیمان کرده‌اند. این اندیشه پس از قرون وسطی نضج گرفت و در پی رنسانس بروز و ظهور بیشتری یافت و در دوران ما در زمره تکالیف غیرقابل انکار دولت‌های مردمسالار است. به گونه‌یی که به عنوان یک ضابطه جهانی که دولت‌ها در هنگام انعقاد معاهدات خود بر آن پای می‌فشارند، جلوه‌گر شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نمونه بارزی از انعکاس حقوق و تکالیف مورد اشاره است که آزادی‌های فرد را با رعایت احوال اجتماع و درهم‌آمیختن مجموع حقوق و تکالیف به همراه برخورداری از کرامت انسانی در یک قالب منظم و منسجم به اجتماع بشری ارائه کرده است. در تفکیک قوا هم پذیرفته‌ایم که پیمانی بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان برقرار شود و نام آن را به‌عنوان یک قرارداد که طرفین آن ملزم به رعایت منطوق و مفاد آن هستند، ذکر کرده‌ایم. در این قرارداد اجتماعی مقرر بود که نخبگانی که کار فکری می‌کنند و برگزیدگان ملت قلمداد می‌شوند به عنوان خانه فکر ملت تلقی شوند و از آبشخور عدالت تصمیمات خود را بگذرانند و پس از آرایش و پیرایش و پالایش آن را به گروه دیگری که عنوان صف و اجرا بر آن نهاده‌ایم عرضه کنند و در پی این دو کفه شاهینی به‌عنوان دادرس و دادگر که فارغ از هر نوع پیوند و پیوست با هر یک از این دو گروه باشد، قرار دهیم.

بی‌گمان نه گروه قانونگذاران حق و فرصت اجرای تصمیمات خود را دارند و نه گروه اجرا حق تغییر و دخالت و تبدیل تصمیم نخبگان و برگزیدگان ملت را دارد و اگر در این میان اختلافی رخ دهد باید به همان شاهین ترازو که قوه قضائیه است مراجعه کرد. اما هرگاه این اصول مسلم و حقوق شخصی در پهنه جامعه نادیده گرفته شود هرکس بر موضع دلیل و راهنما ناچار است این مقدمات را یادآور شود و بگوید مبادا قوه مجریه برابر پیمان برتر از قانون عادی که قانون اساسی است، تکالیف خود را به فراموشی بسپارد. در این میان اظهارات اخیر رئیس پلیس تهران هم هشداری است که گویا بایدها و نبایدهای مورد اشاره از سوی ایشان فراموش شده است. اگر اصل ۳۷ قانون اساسی صراحتاً مبنا را برائت نهاده است و این اصل خود از منبع وسیع‌تری به‌عنوان حق منشأ گردیده و در کنار این موارد غیرقابل تردید اصل قانونی بودن جرم و مجازات را آویزه گوش خود کرده‌ایم که چگونه امکان طرح این موضوع که رئیس پلیس تهران نسبت به آرایش و پیرایش اشخاص، خود وضع قانون و مقررات کند و جالب‌تر آنکه خود را مکلف به اجرا و عمل آن بداند. از زمان سیسرون تاکنون همه حکما و فلاسفه در جهت آسایش انسان و آرامش وی و دستیابی به یک زندگی مسالمت‌آمیز اندیشیده‌اند و اعلام داشته‌اند هیچ‌کس نمی‌تواند قاضی خود باشد، یعنی مدعی اینکه خود در موضع دادرس قرار گیرد. امری که در تصمیم اخیر رئیس پلیس تهران به روشنی مشاهده می‌شود.

باید یادآور شد مرجع تحدید حدود و حقوق انسانی مجلس است و حتی قوه مجریه حق وضع قانون را ندارد چه رسد به آنکه جزئی از دولت نسبت به شکل و روال آرایش و پیرایش مردم اتخاذ تصمیم کنند. اگر تصمیم مذکور ضروری، منطقی و لازم‌الاجرا است که آن را می‌توان از طریق طرح‌ها و لوایح به مجلس ارائه داد و اگر مجلس آن را تایید و تنفیذ نمی‌کند، آیا این یک اقدام مغایر با اراده مردم نیست، زیرا پیمان بسته بودیم که نظرات مردم را که به وسیله نمایندگان آنان اعلام و ابراز می‌شود، مدار و مبنای کار قرار دهیم.

این نحوه برخورد با مسائل اجتماعی تالی فاسدهای عدیده‌یی را به همراه خواهد داشت. من نسبت به حسن نیت و خیرخواهی افراد سخن نمی‌گویم، اما ناگزیر از یادآوری این موضوع هستم؛ اگر این دریچه گشوده شود و هر مقام اجرایی بتواند مدونه‌یی اعلام کند و از فردا روز آن را اجرا کند، روزی کم نمی‌گذرد که ما با چنان بلبشویی مواجه خواهیم شد که قوانین من درآوردی بر مقابل مردم قد علم می‌کند.

سوال مقرر این است که آیا دستگاه پلیس خود را برتر از قانون می‌داند یا فروتر از قانون؟

نباید از یاد ببریم که قانون خود در مرحله پایین‌تر از قانون اساسی قرار دارد، اما مستندات من بر این مقوله اصولی است که در قانون اساسی از جمله اصل چهار قانون اساسی به عنوان سایه‌سار همه حقوق و اصول ذکر شده است. با توجه به اینکه روش، منش، سنت و عمل پیامبر به عنوان یک الگوی همواره زندگی مسلمین مقید است، در خانه ذهن فرزندم جوانه زد و از من پرسید، آیا اینکه توی این نوشته موهای پیامبر تا جوانی روی شانه‌های وی بوده خلاف شرع بوده است یا موافق شرع؟ از پرسش پسرم به تعجب مانده و او را رهنمون ساختم به کتاب‌های متعددی که زندگی پیامبر را ترسیم و بیان داشته است. او از من پرسید که آیا ذکر این مساله که در شمایل پیامبر ذکر شده که موهای نازنینش برشانه وی افتاده بود، خلاف شرع است یا مطابق شرع؟ به خنده او را گفتم پیامبر جز شرع و رفتاری جز حق و پیامی جز عدل ندارد اما او بی‌پاسخ مغایرت دستور پلیس با این رفتار را پیشم نهاد. برآن شدم که با توجه به اصل چهار قانون اساسی این مختصر بنگارم. بالاخره یکی از ما به اشتباه سنت را یافته و گفته‌ایم.

حق ما را رهنمون سازد، اما در هر صورت در طول تاریخ اسلام کدام‌یک از حکمرانان چنین دستوری صادر فرموده بود که ایشان در پی آن به تکرار این ره سپرده‌اند؟

تحلیل دکتر باوند از گفت‌وگوی دوباره تهران -واشنگتن

زبان تهدید پوشش مذاکرات تدریجی است

گروه سیاسی، مریم مهدوی اصل: ایران وامریکا اعلام کرده‌اند که برای مذاکره دوباره تمایل دارند. دکتر داوود هرمیداس باوند استاد روابط و حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مسائل سیاسی در این راستا تحلیلی را ارائه داده است که در پی می‌آید: در برخی از مقاطع تاریخی، امکان دارد رویدادهایی پیش آید که بین منافع یک قدرت اصلی مسلط با منافع دیگر کشوری که رابطه سازنده هم ندارند، نوعی همسویی پدیدار شود. بنابراین، بعد از ۱۱ سپتامبر، حوادثی که به هر حال در امریکا به وجود آمد و ظاهراً منشاء این حوادث در خاورمیانه تلقی شد، موجب شد که امریکایی‌ها یک استراتژی اعلام شده‌یی را در مورد خاورمیانه در پیش بگیرند. این استراتژی یکی مساله خاورمیانه بزرگ بود و در عین حال تغییرات ساختاری در برخی از کشورهای منطقه تحت عنوان تغییر ساختار داخلی و تبدیل آن در جهت نظام دموکراسی در این کشورها بود. در اجرای این مقصود، امریکا یکسری عملیات سخت‌افزاری را در منطقه در پیش گرفته بود، ابتدا در افغانستان و سپس در عراق. در هر دوی این رویداد یا حرکت، یعنی سرکوبی طالبان و طالبانیسم در افغانستان و برکناری رژیم صدام، هر دو با منافع ایران همسویی پیدا کرد. یعنی دو رقیب منطقه‌یی ایران که مدیریت جامعه مربوطه به خودشان را عهده‌دار بودند، از صحنه خارج شده بودند. نکته سوم در همین راستا، از آنجایی که مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی محدود به القاعده و جنبش سلفی‌گری شده بود. همان طور که می‌دانیم، سلفی‌گری یک حرکت میلیتاریستی و در عین حال جهادگرانه و در قبال مساله شیعه به عنوان کفر مطلق تلقی می‌شود. عربستان که خود کانون اندیشه‌ها و ارزش‌های سلفی‌گری است، در رابطه با صدور ارزش‌های انقلابی با ایران در یک رقابت تنگاتنگی قرار گرفت. به طوری که عربستان موفق شد ارزش‌های سلفی‌گری را در پاکستان، افغانستان و تا حدودی آسیای مرکزی و شمال قفقاز و شرق آسیا به صورت قابل توجهی عملی کند. حتی در هرمزگان و بلوچستان ایران رخنه‌یی را در پیش گرفته بود و به دیگر سخن، عربستان در این رقابت یا مبارزه با ایران برای صدور ارزش‌های انقلابی، پیشی گرفته بود. ولی سرکوبی طالبان و القاعده و مبارزه علیه فعالیت‌های سلفی‌گری در شرق آفریقا و آسیای مرکزی باز هم به نفع ایران تمام شد. در عین حال فرصت‌های جدیدی به نفع ایران پدیدار شد. یعنی ایرانی که قبلاً از افغانستان خلع جایگاه شده بود، بازگشت قابل توجهی از لحاظ اقتصادی-سیاسی در افغانستان پیدا کرد و ترتیبات سیاسی که در عراق برپا شد، ظاهراً برای اجرای نظام دموکراسی با ملاحظه‌یی که شیعیان در اکثریت بودند و اکثریت رهبران گروه شیعه قبلاً در ایران بودند، در ترتیبات سیاسی جدید عراق، ایران نفوذی پیدا کرد که قبلاً این نفوذ سابقه نداشته است. بنابراین فرصت‌هایی بود که ایران ضمن اینکه همسویی با منافع امریکایی‌ها داشت، یعنی حضور و منافع امریکایی‌ها همسویی نسبت به منافع ایران داشت، به نظر من اینها فرصت‌هایی بود که می‌توانست برای حل مسائل و مشکلات ایران و امریکا مورد استفاده قرار گیرد. ولی خب به دلایلی استراتژی سیاست خارجی ضمن اینکه زمان آقای خاتمی که مقارن این رویدادها بود، تنش‌زدایی بود و مورد استقبال هم قرار گرفت و یک زمینه محدودی را به وجود آورد که امکان گفت‌وگو با امریکایی‌ها برای حل مسائل و مشکلات دیرینه انجام بگیرد، ولی از آنجایی که از لحاظ داخلی، گروه مخالف، موافق با چنین جریانی نبود، در مقام خنثی کردن چنین رویدادی برآمد. به خصوص وقتی امریکایی‌ها بعد از حادثه زلزله بم اعلام کردند آماده‌اند هیات بلندپایه‌یی را برای گفت‌وگو به ایران بفرستند، یعنی از جو انسان‌دوستانه آن رویداد طبیعی می‌خواستند استفاده کنند. ولی جناح مخالف اعلام کرد که شرایط مساعد برای چنین گفت‌وگوهایی نیست تا اینکه دولت احمدی‌نژاد روی کار آمد و ایشان برآن شدند که استراتژی تهاجمی را به جای استراتژی تنش‌زدایی در پیش بگیرند. در زمینه‌های مختلف هم در مورد تکنولوژی هسته‌یی و هم در زمینه‌های دیگر که خوب اظهارنظراتی در رابطه با برخی از کشورهای منطقه و حوادث دیرینه‌یی که در اروپا اتفاق افتاده بود یک نوع رادیکالیسم سیاسی را ایران در پیش گرفت و همین امر سبب شد که یک همسویی نسبی با کشورهایی که مورد خطاب استراتژی خاورمیانه بزرگ بودند، به وجود آید. یعنی کشورهای عربی که شدیداً نگران بودند اگر الگویی که برای عراق مدنظر است تحقق پیدا کند دیر یا زود متوجه آنها خواهد شد، اینها بر آن شدند بحران داخلی عراق را مستمر و تشدید کنند که امریکایی‌ها فرصتی برای اجرای برنامه خاورمیانه خودشان نداشته باشند.

بنابراین آنان به صورت حمایت از گروه‌های مخالف داخلی عراق، یعنی گروه‌هایی که از گردونه قدرت خارج شده بودند مثل بعثی‌ها و اهل تسنن این کار را انجام دادند.

دیگر همسایه‌ها نیز هر کدام به درجاتی در ایجاد استمرار و طولانی شدن بحران موثر بودند. البته هر کدام به دلایل خاص خودشان. همین امر سبب شد که امریکایی‌ها شدیداً در عراق زمینگیر بشوند و تقریباً با مشکلاتی که بر امریکا وارد شد، بازتاب منفی آن را در افکار عمومی داخل امریکا، کنگره امریکا و دیگران دیدند که این امر سبب شد مساله اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و مساله گسترش دموکراتیزه کردن به دیگر کشورها به حال تعلیق در بیاید. تمام هم و غم امریکا بر آن شد که به نحوی مساله عراق را فیصله بدهد و سعی کند از این مهلکه خودش را خارج کند. خوب این یک فاز دوم است. بنابراین حمایت‌هایی که از این گروه‌ها برای استمرار حضور امریکا می‌شد، به مقصود خودش رسیده است. یعنی واقعاً سبب شد که امریکا در عراق زمینگیر بشود. کشورهایی که این دخالت‌ها را می‌کردند، متوجه فاز دومی شدند. فاز دوم نسبت به ترتیباتی که به اهتمام امریکایی‌ها در عراق پیش آمده بود، شدیداً معترض بودند. به سه دلیل: ۱- آنان از اینکه شیعیان جایگاه مسلطی در عراق احراز کرده‌اند، شدیداً عصبانی بودند. ۲- از اینکه خصوصیت و سرشت عربیسم عراق در نتیجه ساختار نظام فدرال بی‌رنگ می‌شد، دو چندان نگران‌تر بودند. ۳- همچنین از نفوذ نسبتاً موثر برخی از همسایگان غیرعرب در عراق و در کشورهای عربی منطقه. حتی آنان معتقد بودند کشوری مثل ایران بر آن است که برخورد خودش را با امریکا در کشورهای عربی مطرح کند؛ در عراق، لبنان و گروه‌های فلسطینی و لذا موضع آنان در این فاز دوم حمایت از گروه‌های مخالف، بعثی‌ها و سنی‌ها، وادار کردن امریکا به تجدیدنظر در وضع موجود و ترتیبات سیاسی موجود بوده است. از سوی دیگر، از آنجایی که امریکا در مقابله با ایران در رابطه با تکنولوژی هسته‌یی‌اش همواره نیاز داشته که این مساله را به‌عنوان یک مساله جهانی تبدیل کند و کشورهای دیگر جهان را علیه ایران بسیج کند، یعنی جامعه جهانی و کشورهای منطقه را در مقابل ایران قرار دهد، خوب بر آن شد که کشورهای عربی را براساس اینکه اگر ایران دسترسی به تکنولوژی هسته‌یی پیدا کند، خطری است برای کشورهای منطقه یا فرآیند دیگری را مطرح می‌کردند براساس تئوری دامینو که اگر ایران دسترسی پیدا کند، دیگران هم در طلب دسترسی‌اند، عربستان سعودی و ترکیه و منطقه دچار بحران و درگیری خواهد شد و تبلیغاتی در این رهگذر، بر آن شدند که کشورهای عربی را به نفع خودشان در قبال برنامه تکنولوژی هسته‌یی ایران بسیج کنند. کشورهای عربی هم برای اینکه همگام و همراه امریکا بشوند، خواستار این بودند که در وضع موجود استراتژی امریکا هم تجدید نظر بشود و تغییراتی داده شود و لذا این امر سبب شد که امریکا به دو دلیل؛ ۱- به دلیل مخالفت کنگره امریکا، افکار داخلی امریکا و ۲- به سبب ایجاد زمینه جدید برای تغییر استراتژی سیاست «ترضیع خاطر» عراق را در پیش بگیرد. سیاست «ترضی خاطر» سابقه تاریخی دارد یعنی وقتی که نازی‌ها روی کار آمدند و موفق شدند با یک سیاست تهاجمی، منطقه راین را که براساس قرارداد ورسای غیرنظامی اعلام کرده بودند، نظامی بکنند و انضمام اتریش به آلمان در محدوده مساله آنشولوس مطرح شد و از آنجایی که دولت‌های اروپایی آماده یک برخورد نظامی نبودند، نخست‌وزیر وقت آن زمان بریتانیا بر آن شد سیاست «ترضی خاطر» هیتلر را یعنی راضی کردن آلمان را در پیش بگیرد در کنفرانس مونیخ نیز با آن موافقت کردند که منطقه به اصطلاح آلمانی‌نشین چک‌اسلواکی جدا بشود و آلمان آزادی عمل بیشتر در صحنه چک‌اسلواکی براساس قرارداد مونیخ به دست آورد که یک اشتباه بزرگی بود ظاهراً بنابراین سیاست «ترضی خاطر» است که وارد جریان دیپلماسی شده است. پس امریکا بر آن شد که یک سیاست «ترضی خاطر» اعراب را در پیش بگیرد. برای ترضی خاطر اعراب لازم شد که تغییراتی در استراتژی اعلام شده خودش انجام دهد که تجلی این را ما در قطعنامه شرم‌الشیخ می‌بینیم. در این قطعنامه تصریح می‌شود که ۱- بازنگری قانون اساسی عراق ۲- بازنگری در استراتژی بعث‌زدایی ۳- تامین نظرات کشورهای عربی ۴- بین‌المللی کردن حل مساله عراق که شرم‌الشیخ خودش یک کنفرانس بین‌المللی بود کشورهای منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی حضور داشتند. به موازات آن قبلاً هم امریکا و کشورهای عربی خطر شیعه را در منطقه مطرح کرده بودند. هلال شیعه که شامل ایران، سوریه و لبنان بود خطری برای کشورهایی که اقلیت یا اکثریت شیعه داشتند، مثل عربستان سعودی، بحرین یا یمن به عنوان یک خطر جدی شیعه برای جهان عرب و کشورهای سنی بود. بنابراین امریکایی‌ها در اجلاس شرم‌الشیخ که دارای هدف‌های جدیدی بودند، اعلام کردند که برای تجدیدنظر استراتژیک لازم است که یک مشروعیتی به‌دست آورند. زمینه مشروعیت این شد که تمام ادعاها و اتهامات که قبلاً متنوع بود به سوی کشورهای حامیان سنی‌ها و بعثیون از یک طرف و ایران از سوی دیگر چرخش پیدا کند. یعنی حتی ایران متهم بشود و یا مدعی بشوند که نه تنها به گروه‌های رادیکال شیعه کمک می‌کند، بلکه به برخی از گروه‌های سنی هم کمک‌های تسلیحاتی می‌کند.

و نکته مهم دیگر در این مورد عبارت از این بود که دولت نوری المالکی توانایی مدیریت بحران و وضعیت داخلی را ندارد و بنابراین باید تغییراتی حاصل بشود که از جمله برکناری چند وزیر سنی بود.

بنابراین موضع تغییر جهت اتهام از تهوع مسلط به سوی ایران به عنوان یک عامل مسلط بحران، در حقیقت ایجاد یک مشروعیتی است برای تغییر ترتیبات سیاسی موجود در عراق و تامین نظرات کشورهای عربی که عمدتاً کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی، مصر و اردن در این مقوله قرار می‌گیرند.

حال در قبال این تهاجمی که امریکا نسبت به ایران در پیش گرفته است و ایران را عامل اصلی ادامه و اختلال و بحران در عراق و حتی افغانستان و تا حدودی به عنوان کمک‌های تسلیحاتی ایران به طالبان می‌داند، این حمله گسترده به سوی ایران دو پیامد را در پیش دارد. یک پیامد این است که امریکا در لوای این تهاجم گسترده زمینه را برای یک دیپلماسی تعدیل جویانه با ایران در پیش بگیرد که بدون سابقه هم نیست. در گذشته وقتی ژنرال دوگل به کمک ارتشی‌های فرانسه بر سر کارآمد، برای راضی کردن ارتشی‌ها، استراتژی یورش نظامی گسترده برای آرام‌سازی الجزایر را در پیش گرفت ولی در پناه و سایه آن تدریجاً مذاکراتی با نمایندگانی N. F. L یا جبهه ملی آزادی‌بخش الجزایر در اویان در پیش گرفت که در نهایت منتهی به توافق ۱۹۶۲ با فرانسه شد که با مخالفت شدید نظامیان و تلاش برای ترور دوگل مواجه شد که البته این تلاش ناکام ماند. در همین راستا وقتی نیکسون برای حل مساله ویتنام بر سر کار آمد، ابتدا یک یورش نظامی هوایی- دریایی گسترده را علیه ویتنام شمالی و هاموول در پیش گرفت و در سایه آن مذاکراتی برای حل مساله ویتنام آغاز کرد که نهایتاً به خروج امریکایی‌ها از ویتنام منتهی شد. حالا یک برداشت عبارت از این است که امریکا در پناه سایه‌یی سیاسی- تهاجمی جدید بر آن است که زمینه را برای گفت‌وگویی خیلی تدریجی در جهت حل مسائل عراق در درجه اول با ایران به وجود آورد که سرآغاز آن همین گفت‌وگویی بود که به ظاهر با پیشنهاد و میانجی‌گری دولت عراق انجام گرفت و ابتدا بین کارشناسان بود. بعد بین سفرای دو کشور بود.

حال، نکته دیگر این است که اگر این روال تجدید شود و تکرار شود، یعنی گفت‌وگویی که از قبل اعلام شده بود، برای بار دوم صورت بگیرد و به یک تفاهمی منتهی بشود، این به نوبه خودش زمینه‌ساز می‌شود که بازتاب نسبی مثبتی در عرصه‌های اختلافی دیگری نیز داشته باشد. اگر این استراتژی که استراتژی نوعی آغاز گفت‌وگو است با بن‌بست و ناکامی و نافرجامی روبه‌رو شود، به ناچار امریکایی‌ها این استراتژی تهاجمی را در ابعاد جدیدتری پیگیری خواهند کرد؛ ابعاد اقتصادی و چه بسا نهایتاً اگر این ابعاد به نتیجه‌یی نرسد، یک فرآیند سخت‌افزاری را نهایتاً انتخاب می‌کنند. بنابراین از لحاظ ایران، افغانستان و به خصوص عراق می‌تواند هم فرصتی باشد برای اینکه از فرصتی که اکنون دارد برای گفت‌وگو و حل نسبی مشکلاتش با امریکا استفاده بهینه کند یا می‌تواند از این امر در جهت منفی استفاده کند؛ موضع‌گیری بیشتر علیه امریکایی‌ها.

از آنجایی که فرصت‌ها پایدار نخواهد بود، بنابراین عقل سلیم اقتضا می‌کند تا وقتی که فرصتی وجود دارد سعی شود برای حل مشکلات دوجانبه یا طرفین استفاده بشود. چون فرصت‌ها همواره ابدی و پایدار نخواهند بود. اگر این فرصت از دست برود، در یک وضع انفعالی در مذاکره احتمالی قرار خواهیم گرفت. بنابراین در شرایط موجود، گو اینکه تا حدودی فضا تیره شده، اتهاماتی هم اخیراً مطرح شده، ولی اگر تمایلی در جهت تعدیل باشد که هنوز به نظر می‌رسد بقایایی از آن تمایل وجود دارد، ایران هم به صورت جدی‌تری بپذیرد که وارد مذاکره شود، از این فرصت می‌تواند استفاده کند. ولی در صورتی که ایران از این امکان و وضعیتی که فعلاً به نفع آن وجود دارد، استفاده نکند، همان‌طور که اشاره کردم ممکن است در آینده ایران با وضع نسبی انفعالی روبه‌رو شود.

و اما دو نکته را اضافه می‌کنم؛ یکی در شرایطی که ایران موفق شده دستاوردی در زمینه تکنولوژی هسته‌یی کسب کند، البته نسبی و در عین حال دیگران مدعی‌اند ایران در عراق نفوذ ویژه‌یی دارد، که به نظر من در نفوذ ایران مبالغه می‌کنند، حالا، یعنی بپذیریم که ایران نفوذ ویژه‌یی دارد، اگر ایران در این دستاوردهایش چه در مورد تکنولوژی هسته‌یی و چه در مورد نفوذش در عراق مبالغه بکند، از یک طرف و از سوی دیگر در ضعف طرف مقابل دو چندان مبالغه بیشتر بکند و فکر کند در وضعی نیست که بتواند پاسخگوی ایران باشد، دچار اشتباه بزرگی می‌شود. بنابراین اگر این سیاست را ادامه بدهد، یعنی مبالغه در امکاناتی که دارد و دستاوردهای نسبی که تحصیل کرده از یک سو و مبالغه نسبت به ضعف طرف و عدم توانایی‌اش برای پاسخگویی، مساله به فرآیندی کشیده می‌شود که از دیدگاه بسیاری مردم ایران نگران‌کننده است. یعنی فرآیندش ممکن است نهایتاً به یک استراتژی سخت‌افزاری از سوی امریکا و همراهانش پدیدار شود.

و لذا من فکر می‌کنم هم در مورد تکنولوژی هسته‌یی و به موازات آن در هر کدام از مواردی دیگر اگر تفاهمی حاصل بشود، می‌تواند بازتاب نسبی در عرصه دیگری داشته باشد. ولی شکست در یکی به همان ترتیب می‌تواند در عرصه دیگری فضا را تاحدودی تیره بکند.

تمایل ایران و امریکا برای گفت‌وگوی دوباره

«منوچهر متکی» وزیر امور خارجه ایران از احتمال برگزاری دور دوم گفت‌وگوهای ایران و امریکا در آینده نزدیک خبر داد. متکی که روز سه شنبه به همراه «یوسف بن علوی» وزیر خارجه عمان در مصاحبه مشترک مطبوعاتی شرکت کرده بود، در پاسخ به سوال ایرنا افزود: مقامات عراقی این درخواست را از ایران داشتند اما خواسته شده که درخواست امریکا از طریق رسمی یعنی سفارت سوئیس به اطلاع ایران برسد. به گزارش ایرنا وی خاطرنشان کرد که تهران بعد از مطرح شدن درخواست رسمی امریکا با دید مثبت به این درخواست پاسخ خواهد داد. متکی در پاسخ به سوال دیگری در خصوص پیشنهاد «محمد البرادعی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص گفت‌وگوی مستقیم ایران و امریکا در مورد بحث هسته‌یی گفت: بدیهی است هر پیشنهادی که به ایران بشود آن را بررسی می‌کنیم و اگر تصمیمی در این زمینه اتخاذ شود به اطلاع همگان می‌رسانیم. در همین حال «هوشیار زیباری» وزیر امور خارجه عراق از قطعی شدن برگزاری دور دوم مذاکرات امریکا با ایران در بغداد در سطح سفیران دو کشور خبر داد. به گزارش فارس همزمان با اعلام آمادگی ایران نسبت به انجام این گفت‌وگوها از زبان منوچهر متکی وزیر امور خارجه کشورمان در نشست مشترک خبری با یوسف بن علوی همتای عمانی خود، زیباری در گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز تاکید کرد: مطمئناً دور دوم مذاکرات برگزار خواهد شد و دور دوم آن با محوریت امنیت و ثبات عراق به زودی با مشارکت مقامات عراقی در بغداد برگزار می‌شود.

جدال لفظی دیپلمات‌های محافظه‌کار

اگر یکی از معاونین وزارت امور خارجه، به عنوان یک کارشناس نظری می‌داشت، باید در شورای معاونین مورد بحث و مداقه قرار می‌گرفت و سپس به اطلاع نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و رهبری نظام که آن موقع حضرت امام (ره) بودند، می‌رسید و مورد تصویب سران سه‌قوه و در نهایت پس از تایید رهبری نظام به اجرا در می‌آمد. طبیعی است که به صرف ارائه یک پیشنهاد نمی‌شود نظری را پذیرفت و براساس نظرات یک فرد اقدام کرد.»

به این ترتیب نحوه عملکرد ریاضیدان دیپلمات به همراه بی‌پروایی‌اش در بیان عقاید و انتقادهای صریحش به سیاست‌های ولایتی در وزارت امور خارجه به تدریج ورق را به ضرر او برگرداند.

همچنین برخی از همکاران سابق وی می‌گویند بخشی از اختلافات رفتاری وزیر و معاونش شخصی و ناشی از تفاوت‌های رفتاری و اخلاقی آنها بود، چرا که لاریجانی مشهور به بذله‌گویی چشم به کرسی وزارت داشت. به هر حال مجموعه این مسائل باعث شد که محمدجواد لاریجانی به ناچار وزارت امور خارجه را ترک کند و به مجلس و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی عزیمت کند. با جدایی لاریجانی تنش‌های بین دو مرد مطرح سیاست خارجی هم کمتر شد اما این به معنای پایان ماجرا نبود، چرا که انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶، بهانه‌یی شد تا دو دیپلمات دوباره رو در روی هم قرار گیرند. در آن زمان تصور غالب پیروزی کاندیدای مورد حمایت اصولگرایان در رقابت‌های انتخاباتی بود. با چنین پیش‌فرضی یکی به دنبال استقرار جایگاه خویش در وزارت خارجه و دیگری در پی جایگزینی رقیب ۱۶ ساله بود. نتیجه این رقابت و انتخاب سیدمحمد خاتمی» البته به نفع هیچ‌کدام تمام نشد، اما یک اتفاق سبب شد که در نهایت «علی‌اکبر ولایتی» پیروز میدان باشد. این موضوع افشای مذاکرات «محمدجواد لاریجانی» با «نیک براون» مسوول بخش خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس و همچنین مسوول میز ایران در وزارتخانه فوق در لندن بود. بازتاب محتوای گفت و گوی انجام شده در میان اصلاح طلبان و اصولگرایان چنان گسترده بود که «علی اکبر ناطق نوری» را بر آن داشت تا طی سخنانی اعلام برائت کند و بگوید: «اظهارات آقای لاریجانی در لندن غیرمسوولانه بوده است. وی ماموریتی از سوی مجلس نداشته و از طرف بنده هم به آنجا نرفته است.»

البته ناطق نوری پس از این اظهارنظر، درصدد دلجویی از لاریجانی برآمد، ولی نتیجه مذاکره انجام شده تا به امروز نیز به پای محمد لاریجانی نوشته شد و او نیز ماجراهای پیش‌آمده را از چشم جناح رقیب و رقبای وزارت امور خارجه دانست. قضیه فوق تنها دلگیری‌ها را کهنه‌تر کرد، با این حال از حد انتقادهای گاه‌وبی‌گاه به سیاست‌های ۱۶ ساله «علی‌اکبر ولایتی» در وزارت امور خارجه فراتر نرفت. روند فوق تا انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ ادامه داشت ولی کاندیداتوری «علی‌اکبر ولایتی» و حمایت محمدجواد لاریجانی از نامزدی برادرش «علی»، به صحنه بعدی رودررویی دو رقیب تبدیل شد. «محمدجواد لاریجانی» تلاش داشت با انتقاد از مشی طی شده در وزارت خارجه دوران ولایتی، برادرش را در سر لیست اصولگرایان قرار دهد و «علی‌اکبر ولایتی»نیز اعلام کرد تا آخر در عرصه مبارزات انتخاباتی باقی خواهد ماند و تحت فشارها و رودربایستی انصراف نخواهد داد. هرچند که او سرانجام با کاندیداتوری هاشمی‌رفسنجانی از صحنه رقابت‌ها کناره‌گیری کرد و «علی لاریجانی» هم موفق به جلب نظر مجموعه اردوگاه اصولگرایان نشد و این میدان نیز بدون برنده سپری شد.

پس از آن «محمدجواد لاریجانی» در دفتر نیاوران به عنوان رئیس «مرکز تحقیقات نظری فیزیک و ریاضیات» به فعالیت‌های تحقیقاتی پرداخت. او سال‌ها است که سمت رسمی دولتی ندارد و به «مرد پشت پرده دیپلماسی اصولگرایان» معروف است. برعکس او «علی‌اکبر ولایتی» به عنوان مشاور رهبری در امور بین‌الملل با عضویت در شورای راهبردی سیاست خارجی به فعالیت‌های رسمی و دولتی‌اش ادامه می‌دهد. هم‌اکنون با موضع‌گیری این دو دیپلمات اختلافات دوباره تازه و تبدیل به مجادله لفظی شده است. باید دید چه کسی می‌تواند این مناظره را به نفع خویش به پایان ببرد.

خط اعتماد

۲۲۸۶۰۳۶۶ | etemaadline@etemaad.com

اوصاف اصولگرایان: با توجه به صحبت‌های آقای باهنر راجع به انحراف انقلاب در دوم خرداد می‌خواستم عرض کنم غمی نیست خوشبختانه ما در کشور اصولگرایانی داریم که بسیار متقی هستند. از خوف خدا شب‌ها نمی‌خوابند، با حرام و ربا مخالفند از رشوه و رانت بیزارند و با وجود تمام صفات برجسته‌یی که دارند هیچ آفتی به این کشور وارد نخواهد شد.

شهروندی از تهران

بزرگداشت قیام ۳۰ تیر: در آستانه سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر قرار داریم، این روز حماسی و تاریخی را ارج می‌نهیم و به همه آزادیخواهان و ظلم ستیزان ایران و جهان تهنیت می‌گوییم. در این روز خونین اقشار مختلف، مردم، دانشجویان، بازاریان، زنان و مردان و حتی دانش‌آموزان در خیابان‌های تهران با نظامیان درباری نبرد کردند و در نهایت حکومت سه‌روزه دست‌نشانده قوام سرنگون شد و زمام امور مجدداً به دست توانای مصدق کبیر افتاد؛ بزرگمردی که در ایفای حقوق ملی و گسترش دموکراسی در ایران به گواه تاریخ بی‌همتا است. فریاد یا مرگ یا مصدق مردم در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در صفحات تاریخ ایران به عنوان شعاری ملی به ثبت رسید. دکتر مصدق در این روز دیگر تنها نخست‌وزیر قانونی و منتخب مجلس نبود بلکه برگزیده مستقیم مردم ایران نیز محسوب شد. روانش شاد باد.

شهروندی از تهران

ایمنی در پروازها، کی؟: بار دیگر شاهد آتش گرفتن هواپیماهای مسافربری ایران بودیم که خدا را شکر به سلامت و خیر و خوشی به پایان رسید و خطری جان مسافران را تهدید نکرد، اما نکته مهم اینکه بالاخره کی این تراژدی به انتها رسیده و مسافران با خاطری آسوده و فارغ از هرگونه دلواپسی و نگرانی به سلامت رسیدن تا مقصد امیدوار و خوش‌بین باشند. آیا وقت آن نرسیده که تا سقوطی دیگر صورت نگرفته و خانواده‌یی را داغدار نکرده فکری اساسی برای این معضل کرد تا پایان زندگی مسافران به سرنوشت و تقدیر نسبت داده نشود.

طاهره سلامت از گلستان

خدمتگزاری نمایندگان!: به نقل از سایت بازتاب ۴۰ درصد از نمایندگان خدمتگزار تعطیلات تابستانی خود را همراه با خانواده‌های محترم‌شان در خارج از کشور سپری می‌کنند، در صورتی‌که اکثر مردم جهت رفتن به مسافرت به محدوده استان خود با مشکل بنزین روبه‌رو هستند. آدم نمی‌داند چه بگوید به خاطر این همه خدمتگزاری نمایندگان‌شان در مجلس. بالاخره می‌طلبد نمایندگان هم از فرط خستگی‌های زیاد به خاطر تصویب برنامه‌های پرحجم و بزرگی مثل سهمیه‌بندی کردن بنزین با رفتن به تعطیلات خارج از کشور خستگی را از تن رنج‌کشیده‌شان بیرون کنند تا ان‌شاءالله با آمادگی بیشتر بعد از تعطیلات به خدمتگزاری‌شان با رفع خستگی و انرژی مضاعف در خانه ملت ادامه دهند. افسوس که برای اکثر نمایندگان محترم مدت اقامت ۴ ساله این خانه، آخر سال تمام می‌شود. واقعاً حیف کاش می‌شد مدتش را تمدید کرد!

حمیدرضا رسولی از تهران

هم‌میهن را رفع توقیف کنید: از مسوولان خواهشمندم که روزنامه مستند و مردمی هم‌میهن را رفع توقیف کنند.

شهروندی از اصفهان

من هنوز کارت سوخت ندارم: بنده الان کارت سوخت ندارم. کارتم با کد مرسوله ۰۸۱۵۴۶۶۸۹۲ تحویل پست چهارراه لشکر تهران شده، حدود ۳ ماه است که پیگیر این مساله هستم ولی تا به حال نتوانسته‌ام هیچ گونه نتیجه‌یی بگیرم و طی این مدت هم هیچ‌گونه، اطلاعی از اداره پست چهارراه لشکر به بنده داده نشده. خواهشمندم شما درج بفرمایید تا کمکی به بنده و بقیه کسانی که نتوانسته‌اند کارت خود را بگیرند، بکنید.

شهروندی از تهران

رد کردن بدیهیات!: در یکی از روزنامه‌ها خواندیم که مسوول میراث فرهنگی و گردشگری ایران اعلام کردند که سهمیه‌بندی در کم بودن مسافران تاثیری نداشته. من نمی‌دانم این آقایان چطور فکر می‌کنند یا نسبت به فکر مردم چه نظری دارند ولی آیا رد کردن بدیهیات درست است؟

شهروندی از تهران

قابل توجه آقای متکی: می‌خواستم به مسوولان وزارت امور خارجه مخصوصاً آقای متکی یادآوری بفرمایید ایشان که برای رفع ناراحتی آقایان به بحرین می‌روند حتماً از خیابان خلیج به اصطلاح عربی و دانشگاه به اصطلاح عربی هم دیدن کردند؟

شهروندی از تهران

مایحتاج مردم صادر نشود: صادرات برخی اقلام مورد نیاز باعث گرانی شده است. مسوولان ابتدا باید نیاز کشور را تامین و سپس مازاد آن را صادر کنند. نام اجناسی که صادر می‌شود را اعلام نمی‌کنم، زیرا هم باعث تبلیغ می‌شود و هم اینکه عده‌یی از کاسب‌ها منتظر فرصت‌اند تا با سوءاستفاده قیمت‌ها را بالا ببرند.

محسن باقری از کرج

احساس امنیت: می‌خواستم یک نکته‌یی را عرض کنم، مردم وقتی نیروی انتظامی را می‌بینند باید احساس امنیت کنند. خواهشمندم به گوش مسوولان برسانند که با این سیستم بهتر می‌شود کار کرد، ترس فقط مدتی جواب می‌دهد.

شهروندی از تهران

ادامه در صفحه ۳